



۸/۵/۲۰۱۵



## تجلیل اول می ، یا دسیسه علیه کارگران افغان

جمهوری آخوندی ایران با سیاست خارجی نادرست اش از یکسو با تعزیرات اقتصادی ملل متحد مواجه شده است و از سوی دیگر با صدور انقلاب که لازمه آن تمویل و تجهیز گروه های اجیر و بنیادگرا در کشورهای اسلامی و بناً مصرف مقدار زیاد اسعار خارجی میباشد، عرصه فعالیت های اقتصادی را برای متشبین خصوصی و زمینه کاریابی را برای کارگران ایران محدود ساخته است. بر اساس گزارش مندرج در شماره ۱۵ ثور ۱۳۹۴ روزنامه ایرانی شرق، در ایران ۳۰٪ شهرنشینان و ۴۰٪ روستا نشینان زیر خط فقر زندگی میکنند. با این وصف دولت ایران به بهبود زندگی مردم خویش توجه ای نکرده و پیوسته قراردادهای اعطای اعتبار یک میلیارد دلاری را با دولت سوریه به امضا میرساند. طبیعتاً کارگران ایران را این حالت نا راضی ساخته است. با وصف آنکه اعتصابات کارگری از طرف رژیم آخوندی بشدت سرکوب میشوند، کارگران وقتاً فوقتاً برای احقاق حقوق خود دست به اعتصابات میزنند. اول ماه می روز همبستگی بین المللی کارگران جهان و تجلیل از آن زمینه ایست برای ایجاد اتحاد سراسری میان کارگران و طرح خواسته های صنفی عمومی آنها. بهمین جهت کارگران ایران طی هشت سال گذشته یعنی تا ختم دوران احمدی نژاد، از آزادی تجلیل این روز محروم شده بودند. ضمناً گماشتگان مخفی دولتی طی تبلیغاتی که در محافل کارگری براه می اندازند، گناه کساد بازار کار و همه نارسایی ها در تأمین حقوق کارگران ایرانی را بدوش کارگران افغان درین کشوری اندازند تا اذهان را از علل اصلی خرابی وضع اقتصاد ایران و بحران کاریابی انحراف دهند. گاهی هم دولتمردان علناً نا مردانه به تبلیغ این ادعا میپردازند. بطورمثال بتاریخ ۶ سرطان ۲۰۱۲ محمد رضا رحیمی، معاون اول احمدی نژاد گفت: "قدرتهای بزرگ، سه میلیون مهمان افغان را بر ما تحمیل کرده اند. اگر در کشور ما این تعداد افغان نباشند، آمار بیکاری به صفر میرسد".

امسال دوباره به کارگران ایران اجازه ادا شد تا روز همبستگی جهانی کارگران را تجلیل کنند. راهپیمایی روز جهانی کارگر به روز جمعه اول می با مشارکت جمع کثیری از کارگران واحدهای مختلف در تهران برگزار شد. پیش از راهپیمایی، کارگران بخشهای مختلف اقتصادی در مقابل "خانه کارگر"، دفتر یک اتحادیه بزرگ نیمه دولتی در خیابان ابوریحان تجمع کرده و سپس در صفوف منظم بطرف خیابان انقلاب و میدان فلسطین براه افتادند. در میان شعار های که کارگران حمل میکردند یک شعار نژادپرستانه ضد افغانی نیز دیده میشد: "کارفرما حیا کن - افغانی را رها کن". علاوه بر زمره خواسته های مندرج قطعنامه گردهمایی یکی هم استخدام کارگران ایرانی بعوض کارگران خارجی (باز هم منظور از افغانهاست) بود.



د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼونه: دلیکنی د لیکنیزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هبله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولی

اتحادیه های علنی کارگری در ایران تحت رهبری غیر مستقیم دولت آخوندی قرار دارند و علناً نیز دولت را حامی خویش میدانند. بطورمثال حسن صادقی رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری در گردهمایی اول می ۲۰۱۵ در تهران با تاکید بر اینکه: "دولت تدبیر و امید وحامی نیروی کار کشور است"، خواستار توجه بیشتر به معیشت کارگران شد. "خانه کارگر" و "پیشکسوتان" اتحادیه های کارگری وابسته به نظام آخوندی اند و شعارهای آنان طبق رهنمایی و پالیسی دولت تعیین میگردند. شعار "کارفرما حیا کن - افغانی را رها کن" اگر به دستور دولت بلند نشده باشد، حداقل مورد تایید دولت آخوندی ایران بوده است. این شعار بگفته یکی از بازدید کنندگان صفحه اجتماعی گوگل پلس، تبعیض آشکار و نژاد پرستی آرایش شده است: "نژادپرستی" گاه رنگ و بوی تازه میگیرد، خودش را آرایش می کند، ظاهر فریبدهی خود را نمایان می کند، و در مقام «کمک به کارگران وطنی» ظاهر می شود. رژیم ایران به همچون ترفندها برای این نیاز دارد که بتواند با استفاده از آن هم افغانهای دارنده اجازه کار را تحت فشار قرار بدهد و هم دولت افغانستان را. ایران متوجه است که اشرف غنی تمایلی به تکیه بر ایران ندارد. انتخاب چین، پاکستان و عربستان سعودی بحیث نزدیکترین دوستانش در منطقه طبعاً باعث خرسندی ایران نشده است. از جانب دیگر طرح موضوع تنظیم آب دریا های افغانستان در جریان بازدید اواخر اپریل هیأت افغانی از ایران توسط غنی، برای ایران که از کم آبی مفرط رنج میبرد، خبربندی میباشد. در رابطه با مهاجرین افغان نیز غنی بعوض التجا و تصریح که آخوندها از آن لذت میبردند/، ابراز نمود که بازگشت رضایت مندان، تدریجی و اساسی مهاجران افغانستان از ایران از برنامه های دولتش است. مع الوصف دولت ایران بخوبی میداند که مهاجرین افغان در ایران انگشت افکار دولت افغانستان اند. تصادفی نیست که تقریباً یک هفته بعد از این سفر تبعیض و بد بینی مروج علیه افغانهای قانونی و دارنده اجازه کار، از تریبون اول می کارگران علنی ساخته شد تا دست آویزی باشد برای اعمال فشار بر مهاجرین افغان و دولت افغانستان. این حرکت در نوع خود جدید است ولی میتوان آنرا در لیست طولانی حرکات و اقدامات تبعیضی دیگری قرار داد که از کودتای ثور ۱۳۵۷ افغانستان بدینسو، توسط ایران اتخاذ گردیده است. سایر اشکال تبعیض علیه افغانهای مهاجر در ایران زیاد است و درین مختصر نمیگنجد. بصورت کل میتوان آنرا بدو دسته تقسیم کرد:

الف: تبعیض رسمی:

- از جمله ۳۱ ولایت ایران صرف در ۱۴ ولایت آن افغانهای دارنده اجازه نامه اقامت، حق کار و زندگی را داشتند. تعداد این ولایات نیز بسرعت قوس نزولی را میبیماید.

- درین ولایات نیز ورود افغانها به برخی تسهیلات عامه مثلاً پارکی در اصفهان رسماً و با نصب یک لوحه حاوی بدترین توهین به افغانها، ممنوع قرار داده میشود .

- در حالی که مکاتب دولتی در ایران رایگان اند و حکومت در آغاز سال پار تعلیمی نیز اعلام کرده بود که از شهروندان مهاجر افغان در این کشور مصارف تحصیلی نمیگیرد؛ اما مصوبه سال گذشته وزارت معارف این کشور، متعلمین افغان را ملزم به پرداخت هزینه تحصیلی دوبرابر کرده اند .

- انتشار لیست (مشاغل چهارگانه مجاز) برای مهاجرین افغانستان از سوی وزارت تعاون؛ کار و رفاه اجتماعی ایران. این لیست توهین آشکار به همه مهاجرین افغان، بخصوص قشر تحصیل کرده افغان در ایران است.



د پانو شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له لیرولو مخکې په خیر و لولی

-اظهارات فوق الذکر معاون رییس جمهوری ایران در مورد مهاجرین افغان.  
-امتناع از امداد حقوقی رایگان به افغانهای که مظنون به ارتکاب جرم میشوند. مظنونین بیدفاع افغان بعوض مجرمین پولدار ایرانی اعدام میشوند .

ب: تبعیض غیر رسمی:

-دولت ایران برای توسعه طلبی واهداف استراتژیک خود به سوریه و عراق ملیشیا میفرستد. اخیراً اخبار مؤثق از کشته شدن و اسیر شدن افغانها در جنگهای سوریه به نشر رسیده است. افغانهای اسیر در برابر کمره تلویزیون اظهار نموده اند که از افغانستان به ایران پناه برده اند ودولت ایران ایشانرا تحت نام دفاع از حرم بی بی زینب، با پرداخت ۷۰۰ دالر استخدام وبرای دفاع از رژیم حافظ الاسد به سوریه فرستاده است. سوال اینجاست که چرا ایران اتباع خود را به سوریه نمیفرستد؟ خریدن خون یک افغان به ۷۰۰ دالروفرستادن او به نام مذهب بیک جنگی که وی هیچ رابطه به آن ندارد درتعارض با انسانیت است .

-عدم رسیدگی به قضایای جرمی که قربانی آن یک مهاجر افغان باشد. بطورمثال در اپریل ۲۰۱۵ مادری با دو طفلش در اصفهان کشته شد. اجساد آنها به هرات انتقال داده شد ولی هیچ نوع تعقیب جزایی صورت نگرفت. قضیه دختری که در سال ۲۰۱۲ در شهر یزدبعد از تجاوزجنسی بقتل رسیده بودنیز دنبال نشد. قاتلین وشکنجه گران پناهجویانی که درساحات مرزی از طرف قوای سرحدی ایران بقتل میرسند یا مورد شکنجه قرار میگیرند از معافیت برخوردارند. کارمندان اردوگاه های که برای دبیوریت افغانها ساخته شده اند، با استفاده از همین معافیت به ابداع بدترین انواع شکنجه میپردازند واز توهین وتحقیرپناهجویان افغان لذت میبرند. معلم سادیستی که چهار متعلم افغان را مجبور به دست زدن به داخل کاسه کمود وبعد مکیدن همان انگشتان خویش نموده بود، بدون تعقیب عدلی یاجزای دسپلینی به معلمی خود ادامه داد. اینست اخلاق و عدالت آخوندی.

-تحقیر، آزار، توهین وغصب پول واسناد اقامت توسط نیروهای امنیتی، منجمله سپاه پاسداران ایران وانواع تبعیض توسط بخشی از مردم عادی ایران با پناهندگان وپناهجویان افغان در ایران .

نا گفته نباید گذاشت که در ایران انسانهای شریفی هم وجود دارند که از اعمال فوق الذکردولت ایران وبخشی از مردم ایران در برابر مهاجرین افغان بشدت رنج میبرند و در صفحات انترنتی وفیسبوک از مظالم مذکور فاصله میگیرند. مثلاً عده ای از کارگران شریف ایرانی بلند کردن شعار "کارفرما حیا کن- افغانی را رها کن" را امر شرم آور دانسته ودر نوشته های خویش در فیسبوک بدین نظراند که کارگر ایرانی باید بداند که : "راه حل این مشکل (ارزان بودن مزد افغانها)، چیزی بجز افزایش امنیت شغلی، خدمات درصحی و رفاهی، و حمایت سندیکاهای کارگری از کارگران افغان نیست، راهحلی که باعث می شود میزان حقوق کارگران «نه بر اساس نژاد»، بلکه بر اساس تخصص و توانایی آنها تعیین شود. راه حلی که سطح رفاه کارگر افغان را بالا می برد، فضا را رقابتی می کند، و با ایجاد میدان رقابت عادلانه، هیچ شکلی از نژادپرستی را برنمی تابد".

باتوجه به آنچه ذکر شد، واضحتست که افغانهای مقیم ایران مشکلات بزرگی دارند ونیازمند حمایه دولت وپشتیبانی معنوی جامعه مدنی افغانستان میباشند. لازمست وزارت های خارجه وامور مهاجرین، سفارت افغانستان در تهران را از آدمهای سست عنصر، خودفروش وجاسوس (رجوع شود به شماره مؤرخ ۲۴ جدی ۱۳۹۲ روزنامه ۸ صبح) پاک نموده افراد پاک، مصمم وکارکشته را به سفارت مذکور بکارگمارند.

### کمیته حقوق بشرفدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا



د پانو شمیره: له 3تر3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ